



امام جمعه سی ساله هم برید!

آنچه که این روزها اتفاق می افتد ، شکافها و ترکهائی است که در حکمرانان رژیم جمهوری اسلامی رخ می دهد و خبر از ژرفای بی انتهائی است که در سطح زیر آن جامعه پر جوش و خروش و به جنبش در آمده کنونی است که پوسته سخت و ارتجاعی مذهبی آنرا می شکند. این خروش کارگران و توده های زحمتکش و . . . توأم با نمایشات خیابانی و سر و صدای توده ای بطلان روبنای سیاسی قرون وسطائی جمهوری اسلامی را اعلام می کند. در صفحه ۲

کارگران زندانی ۲۵ تیر باید فوراً آزاد گردند

اعتراضات چندماهه اخیر کارگری در ایران بخصوص صنایع نساجی و کارگران خدماتی برای دریافت حقوق معوقه ، بهبود وضعیت معیشتی و امنیت شغلی رشد قابل توجهی نشان می دهد. شعار حفظ واحدهای تولیدی و عدم واگذاری صنایع و مؤسسات تولیدی به باندهای مافیائی توأم با انتقاد از مدیریت واحدهای تولیدی و خدماتی بطور فزاینده ای رو به گسترش است .

رژیم جمهوری اسلامی با سرکوبی دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و تشکلهای کارگری مستقل زمینه تصویب و اجرای قانون ارتجاعی کار در سال ۱۳۶۹ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام را بوجود آورد و قانون کار فعلی را بر جامعه کارگری ایران تحمیل کرد. قانون کاری که شرایط یکطرفه ای در روابط کار و دستمزد بنفع سرمایه داران برقرار و با مقدس شمردن سرمایه و سرمایه داران حقوق کارگران را پایمال کرد . تشکلهای کارگری مستقل از رژیم را نادیده گرفت و حق طبیعی اعتصاب را قدغن کرد و با حرکات اعتراضی فردی و جمعی بشدت برخورد کرده ومی کند. قانونی که کارگران را در مقابل اخراج بدست هیئتهای حل اختلاف سپرده و روز به روز بر تعداد بیکاران می افزاید.

رژیم جمهوری اسلامی بی اعتنا به حقوق کارگران به عضویت سازمان بین المللی کار در آمده است . سازمان بین المللی کار که یک سازمان بورژوائی است سندیکاها و اتحادیه ها را به رسمیت شناخته و تعیین دستمزدها و شرایط کار را به طور دسته جمعی در اختیار اتحادیه های کارگران و کارفرمایان گذاشته و حق اعتصاب را برای پیشبرد خواسته های کارگران به رسمیت شناخته است. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها حق اعتصاب را به رسمیت نمی شناسد بلکه بشدت با اعتصاب و اعتراضات کارگری برخورد می کند ، شرکت کنندگان در اعتراضات و اعتصابات را مورد ضرب و شتم قرار داده ، به اخراج از کار و زندان محکوم می کند. برای سرکوب کارگران مبارز و اعتراضات کارگری شوراهای اسلامی کار تشکیل داده و عملاً استقلال کارگران را مخدوش و از تشکلهای مستقل کارگری جلوگیری بعمل می آورد. نمایندگان شوراهای کارمندان و کارگران مسلمان و معتقد به رژیم و با تأیید خانه کارگر انتخاب شده و تعدادی نیز از طرف مدیریت به شورا راه می یابند و وظیفه این شوراهای همکاری با مدیریت واحد تولید برای بهبود وضعیت تولید است.

جمهوری اسلامی برای بیرون رفتن از بحران سیاسی و اقتصادی و حفظ منافع باندی به سرمایه های امپریالیستی چشم دوخته و سعی دارد بر طبق برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی روابط کار و کارگری را کاملاً در اختیار سرمایه داران قرار دهد و تجربیات تلخ آرژانتین نصیب مردم ایران کند. در صفحه ۲

شعار جرج بوش ! فشار از پائین و مذاکره در بالا

تحولات جاری منطقه و سیاستهای امپریالیسم امریکا به نمایندگی جرج بوش درمورد ایران وارد مرحله حساسی شده است که غفلت از این رویکرد جدید می تواند بسیار خطرناک باشد. کمونیستها ونیروهای چپ در این مقطع باید توأم با تحلیلهای علمی و درست رهنمودهای عملی منطبق با شرایط مبارزه ارائه و در مبارزات کارگران وتوده های زحمتکش و روشنفکران برای پیشبرد مبارزه و جلوگیری از یک توطئه شوم وارد عمل شوند و خود را با یکسری تحلیلهای ژورنالیستی و از شکست و پیروزی جناحها مشغول نکنند. درصفه ۵

در این شماره

۷ اخبار و گزارشات داخلی

۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق برای ناصر زرافشان
فارغ التحصیل رشته اقتصاد ناپدید شد
پرونده زندانیان ۱۸ تیر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب

۸ اخبار کارگری ایران

سه تن از کارگران ماشین سازی تبریز کشته شدند
دستگیری کارگران در کردستان
راهپیمائی ۴ کیلو متری کارگران نساجی قائم شهر

۶ اخباری از جهان

شورش کرسنکان در ادامه شروط صندوق بین المللی پول

۷ دخترها اجازه ندارند شنا یاد بگیرند

نشریات کار کمونیستی ، ریکای که ل ، جهان کمونیستی و آخرین اطلاعاتی های سازمان را از آدرس قرقه سازمان در اینترنت دریافت کنید

کارگران زندانی ۲۵ تیر باید فوراً آزاد شوند

از صفحه ۱

اما در گذر با دو مشکل روبرو است. از طرفی باید وضعیت مالکیت صنایع و مؤسسات تولیدی را حل کرده و منافع تمامی جناحها را نسبت به سیاستهای در حال اجرا در نظر بگیرد و وضعیت تشکلهای و سازمانهای وابسته آنها را در تشکیلات جدید روشن نماید و همچنین آینده نیروهای متشکل در آنها را مشخص کند. از این زاویه است که می توان دعوت کانون شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر را مورد ارزیابی قرار داد. از طرف دیگر، بحران بیکاری و اعتراضات کارگری و جنبش توده ای هر روز گسترش می یابد و عملاً مانع بسیار بزرگی به حساب می آید.

قانون کار جمهوری اسلامی بعد از تصویب و اجرا دستخوش تغییراتی گردیده است. از جمله، کنار گذاشتن کارگاه های کمتر از ۵ نفر از شمول قانون کار، که به دنبال خود اعتراضاتی را موجب گردید و بر تعداد بیکاران افزوده شد و هزاران کارگر از خدمات درمانی و بازنشستگی و بیمه بیکاری محروم گردیدند. بر اساس گفته طهماسب مظاهری وزیر امور اقتصادی و دارائی: "در سال آینده شمار بیکاران به ۱۶ درصد میزان کنونی افزایش می یابد و به مرز ۵ میلیون نفر می رسد." آمارهای غیر رسمی تعداد بیکاران را نزدیک به ۶ میلیون نفر در حال حاضر ارزیابی میکنند. اگر ما همین آمار آقای مظاهری را در نظر بگیریم وضعیت بسیار وحشتناکی است و نشان می دهد، در آینده شاهد اعتراضات وسیع بیکاران خواهیم بود، در صورت تشکل و سازماندهی بیکاران به آمار واقعی دست خواهیم یافت.

اخیراً نیز هیئت وزیران، وزارت کار و امور اجتماعی را موظف کرده با ارتباط با اتاق بازرگانی و کارفرمایان و تشکلهای فرمایشی کارگری، با بررسی و اصلاح قانون کار مطابق با سیاستهای سرمایه جهانی مبنی بر "انعطاف قوانین کار" برای تقویت بازار و تدوین قوانینی با جهت حمایت از سرمایه گذاری خارجی و با بررسی مواد ۱۸۹ و ۱۹۱ قانون کار شماری از فعالیتهای کشاورزی و همچنین کارگاههای کمتر از ده نفر کارگر را با ارائه لایحه ای با پیشنهاد شورای عالی کار موقتاً از مقررات قانون کار خارج کند. بنا بر آمار ۹۶ درصد کارگاه های کشور شامل این ماده می شود.

با دعوت کانون عالی شوراهای اسلامی کار (خانه کارگر) و با مجوز وزارت کشور در اعتراض به این لایحه ۲۵ تیرماه کارگران در جلو وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی واقع در خیابان آزادی اجتماع کردند. این دعوت به دفاع از قانون کار جمهوری اسلامی که بازتاب بخشی از چالشهای درونی رژیم است، صورت گرفت و در صورت تصویب آن در مجلس شورای اسلامی خانه کارگر و نیروهای متمرکز در وزارت کار و امور اجتماعی عملاً از قدرت کنار گذاشته می شوند. حدود ۱۵ هزار نفر از کارگران کارخانجات و مؤسسات تهران، کرج، قزوین، تبریز، استان مرکزی و... در این گردهمایی شرکت کرده بودند. این تجمع اعتراضی بعد از ساعتی از دست گردانندگان خارج گردید و حرکت جناحی تبدیل به اعتراضات صنفی، سیاسی گردید و شعارهای جناحی جای خود را به شعارهای کارگری داد. کارگران با حمل پلاکاردهائی از حق اعتصاب، استخدام

دائمی و امنیت شغلی دفاع می کردند. کارگران برای ارائه طرحهای خود به مسئولان سازمان تأمین اجتماعی با ممانعت نیروهای انتظامی روبرو گردیدند. کارگران با ایجاد سر و صدا با ظرفهای غذا خواستار ارائه طرحهای خود برآمدند که نیروهای انتظامی با گاز اشک آور و باطوم به کارگران حمله ور شدند در ضمن خیابانهای اطراف وزارت کار و امور اجتماعی تحت کنترل شدید امنیتی یگان ویژه نیروی انتظامی در آمده بود. کارگران برای مقابله با گاز اشک آور عکسها و اطلاعیه های سازمان تأمین اجتماعی را به آتش کشیدند و شیشه های سازمان تأمین اجتماعی را شکستند و شعارهای اعتصاب اعتصاب حق مسلم ماست و اتحاد اتحاد کارگران اتحاد و وزیر بی لیاقت استعفا استعفا و بیکاری جوانان عامل هر فساد است... با نیروهای انتظامی به مقابله برخاستند. در این تظاهرات تعدادی از کارگران زخمی شدند و تعدادی نیز توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند و با اتوبوسهایی که قبلاً نیروهای انتظامی به محل آورده شده بودند کارگران دستگیر شده را به زندان بردند. دبیر کمیسیون کارگری شورای تأمین استان تهران اعلام کرد که ۶ نفر از کارگران توسط نیروی انتظامی دستگیر شده اند همچنین اعلام نمود که برگزارکنندگان به ما تعهد داده بودند در قسمت کنار خیابان آزادی بدون اینکه موجب تراکم و ایجاد مشکل برای مردم تهران شوند، راهپیمایی را برگزار کنند، اما علیرغم تعهدشان اصلاً توانائی کنترل جمعیت را نداشتند و حتی در مواردی تذکرات ما را رعایت نکردند. یگان ویژه نیروی انتظامی بقیه کارگران را تا میدان آزادی عقب راندند.

امام جمعه سی ساله هم برید!

از صفحه ۲

موضع گیری و خبر استعفای آیت الله طاهری از امامت جمعه اصفهان در مورخه ۱۳۸۱/۴/۱۸ اتفاق جدیدی نیست و افشاگری آن مؤید استیصال و درماندگی رژیم و مبارزه توده ای برای در هم پیچیدن حکومت سراسر جور، ستم، استثمار، غارت و... چندین ساله رژیم اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی به رهبری خمینی از بدو تشکیل حکومت با کشتار وحشیانه ملت های مختلف ایران فارس، آذری، کرد، ترکمن، بلوچ، عرب و... دست خود را به خون کارگران و زحمتکشانشان خلعهای ایران آلوده و با اعلان جهاد علیه زحمتکشانشان و شکنجه و اعدام و زندان تاریخ سیاه خلیفه گری و ولایتی را دوباره نویسی کرد. جنگ ارتجاعی ۸ ساله را به مردم ایران تحمیل و صدها هزار نفر را به کشتن و یا معلول ساخت، میلیونها نفر را آواره و تأسیسات صنعتی و اقتصادی را به ویرانی کشاند. سران رژیم بر روی جنازه ها به پایکوبی و رقص پرداخته، جنازه های مردم را به خدا هدیه دادند و اشک و رنج و درد را نصیب مردم ساخته و ثروت های کلان برای خود اندوختند. هر صدای اعتراضی را در گلو خفه کردند و رعب و وحشت را در جامعه رایج ساختند. با ادامه جنگ ارتجاعی فرار از جبهه های جنگ معمول شد و ریزش بخشی از نیروهای پائینی هوادار رژیم آغاز گردید. معامله های پشت پرده با دولت امریکا و کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ نفرت عمومی را در جامعه و در سطح جهان بوجود

آنان را تعطیل و نویسندگان را به زندان محکوم می کند. نیروهای ملی مذهبی حول خاتمی را دستگیر و زیر شکنجه قرار می دهد و از تعدادی از آنها اقرارهای وحشتناک ویدیویی می گیرد. قوه قضائیه رژیم اعدامهای خیابانی را برای ایجاد رعب و وحشت براه می اندازد در بسیاری از موارد به درگیری مردم با نیروهای انتظامی مبدل می شود. وکلای مدافع خانواده های قربانیان قتل‌های زنجیره ای را به زندان و شلاق محکوم میکند. شورای تشخیص مصلحت نظام را تقویت می کند، چاقو کشان اطلاعاتی معروف به لباس شخصیها و نیروهای انتظامی و یگانهای ویژه نیروی انتظامی را به خیابانها گسیل می کند.

با این حال ۱۸ تیر اسما نشان داد که جنبش دانشجویی با اعتراضات توده ای گره خورده و از ۴۸ ساله تا بچه ۱۶ ساله در این تظاهرات مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. لغو راهپیمائی از طرف وزارت کشور هم نتوانست جلوی برگزاری این اعتراض را بگیرد و علی رغم حضور وسیع نیروهای سرکوبگر یگان ویژه و لباس شخصی ها و نیروهای انتظامی اعتراضات در سطح گسترده ای انجام گرفت و در تعدادی از شهرهای بزرگ این مراسم با درگیری همراه بود و تعدادی زخمی و تعدادی نیز دستگیر شدند. این حرکت نشان داد که جنبش توده ای به مرحله ای رسیده است که نه تنها سازش در بالا را با مشکل روبرو کرده بلکه ریزش نیروهای رژیم را تسریع کرده است.

این بار یکی از نیروهای مقتدر رژیم و حامی ولایت فقیه و نیروهای دوم خردادی و امام جمعه اصفهان و نماینده مجلس خبرگان طبق اطلاعیه ای استعفاي خود را از امامت جمعه اصفهان اعلام کرد.

طاهری امام جمعه اصفهان در اطلاعیه خود ذکر کرد که " از دیر باز تاکنون می خواستم مطالبی را به طور اختصار به ملت شریف و سرافراز تقدیم کنم" ایشان حدود ۳۰ سال امام جمعه اصفهان بوده و یکی از نیروهای ثابت و پر قدرت چند ساله رژیم بوده و دقیقاً از تمامی عملکرد و حرکات رژیم بخصوص در منطقه اصفهان مطلع است و یکی از آمران حکومتی بوده است که می تواند حقایق پشت پرده زیادی را افشا نماید ولی در نامه، ایشان فقط به یک سری کلی گوئی های بسنده کرده که همه مردم باگوش و پوست و استخوان خود آنها را لمس کرده اند. در صورتیکه ایشان می تواند از کشتارهای زندانیان سیاسی بخصوص سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ سخن گوید که هیچ سخنی از این جنایات در نامه او پیدا نمی شود. از آنجا که طاهری یکی از نیروهای قدرتمند رژیم اسلامی در طول این چند سال بود فقط می توان نامه او را نشان اوج جنایت و باندبازی و بحران نامید.

طاهری در اطلاعیه آورده: " نمی خواهم ملت عزیز و صبور را مأیوس و نا امید کرده باشم، اما هرگز نمی توانم چشمم را بر واقعیات ملموس و حقایق محسوس ببندم" در اینجا کلمه ملت بسیار مخدوش است و آنچه مسلم است منظور آقای طاهری ملت بیباخواسته از جور و ستم نیست، بلکه منظور ایشان می تواند سران رژیم و کارگزاران رژیم باشد که از آنها جدا شده و آنها را از خدمات خود نا امید کرده است و یا تعداد افرادی از ملت که نتوانسته اند خود را از قید و بند رژیم رها سازند و با رژیم جمهوری اسلامی تسویه حساب کنند.

ایشان در این نامه وحشت خود را از خیزش توده ها پنهان نمی کند و می نویسد: " مصیبت عظمای دین گریزی و سرخوردگی و بیکاری و تورم و گرانی و شکاف جهنمی فقر و غنا و فاصله عمیق و روز افزون طبقاتی و رکود و سقوط در آمد

آورد و چهره کربه جمهوری اسلامی را در انظار عمومی به نمایش گذاشت. منتظری که خود یکی از یاران نزدیک خمینی و طراح ولایت فقیه و مسائل ارتداد و محارب بود، به جنایات افسار گسیخته اعتراض و از قائم مقامی خمینی خلع گردید و متعاقب آن از کارهای حکومتی کنار گذاشته شد و بالاخره به حصر خانه و بیت او منجر گردید.

رژیم با قتل عام زندانیان سیاسی و ترور مخالفین و روشنفکران و نویسندگان منتقد در خیابانها و خانه ها و جاده ها جو رعب و وحشت بوجود آورد، هر حرکت اعتراضی را در نطفه خفه کرد، جو پلیسی شدید در جامعه حکم فرما ساخت، به غارت اموال عمومی پرداخت، با دریافت وام از بانک جهانی و بانکهای اروپائی مردم را تا گلو دچار قروض ناخواسته کرد. با سیاستهای اقتصادی ارتجاعی کشور را به سوی تباهی سوق داد و چنان بحران اقتصادی بوجود آورد که رهائی از آن کار ساده ای نیست. تورم اقتصادی و اختناق پلیسی و ترور مخالفین و روشنفکران و اندیشمندان در داخل و خارج کشور با فحیح ترین شکل و اعدام مبارزین با اتهام قاچاقچی و اجرای قانون مجازات اسلامی، فشار مضاعفی را به مردم تحمیل کرد. مردم زحمتکش در مقابل فشار اقتصادی و سیاستهای ارتجاعی به اعتراض آمدند و شورشهای زحمتکشان شهری بوقوع پیوست.

رژیم از وحشت گسترش اعتراضات توده ای و خروج از بحران اقتصادی، به تبلیغات گسترده ای دست زد و با طرح شعار اصلاحات اعتراضات توده ای را مدتی تحت کنترل خود قرار داد. این نمایشات نه تنها نتوانست رژیم را از بحران اقتصادی برهاند بلکه بحرانهای اجتماعی و اعتراضات توده ای را گسترش داد. با گسترش اعتراضات توده ای اختلافات درونی رژیم نیز شدت گرفت و باندهای مختلف رو در روی هم قرار گرفتند. نه تنها باند خاتمی نتوانست جلوی اعتراضات توده ای را سد کند بلکه ریزش نیروهای بدنه رژیم اوج گیرد و دچار دسته بندیهای جدید شدند.

با تعرض باند ولایتی به کوی دانشگاه و کشتار و ضرب و شتم دانشجویان، اعتراضات دانشجویی در تهران و شهرهای بزرگ به خیابانها کشیده شد. جناحها با هم به سرکوب دانشجویان و مردم معترض پرداختند. این بار ریزش نیروهای رژیم شدت گرفت. تضاد درونی رژیم عمیق تر گردید، هر کدام بر علیه دیگری شروع به افشاگری کردند. بحران اقتصادی فارغ از جناح بندیها مسیر خود را طی می کرد و روز به روز بر تعداد بیکاران می افزود و خط قرمز فقر را رنگینتر می ساخت و افراد متوسط جامعه را نیز به زیر می کشید. با تشدید فقر و بیکاری و گرانی فاصله طبقاتی بیشتر می شد، رانت خواران حکومتی و باند های مافیائی ریز و درشت نبض اقتصادی را در دست گرفتند. کارگران شرکتهای تولیدی برای دریافت حقوق معوقه خود به راهبندانها و تظاهرات خیابانی متصل شدند، معلمان برای طرح خواسته های خود به خیابان روی آوردند. شهرهای مختلف یکی پس از دیگری در مقابل سیاستهای ارتجاعی رژیم سر به شورش برداشتند. مردم زحمتکش برای امرای معاش خود و خانواده اشان اعضای بدنشان را در معرض فروش گذاشتند. از طرف دیگر رشوه خواری و رانت خواری سرتا پای ایادی رژیم و فرصت طلبان را گرفته و روزنامه های حکومتی روزی نیست که از فساد و رشوه خبری نداشته و از دزدی های کلان دستگاههای حکومتی و آقازاده ها حرفی نباشد. باند دوم خردادی عاجز از جذب نیروهای سرخورده، در مقابل افشاگری و اعتراضات کارگری و دانشجویی ناتوان می شود. باند ولایتی با مشاهده ضعف باند خاتمی فشار خود را به این جناح شدت می دهد و روزنامه های

نیست که بیشترین رانت خواران در دور او جمع شده اند و در ثانی با صرف بودجه کلان، هزینه اضافی بر مردم تحمیل می کند و مگر همین نماز جمعه ها نیستند که از طریق اینها خیلی از سیاستهای رژیم اعمال می شده و می شود.

سیاست خارجی رژیم ادامه سیاست سرکوب داخلی و تثبیت حکومت دینی است با شعار صدور انقلاب اسلامی نمود پیدا می کند و با هزینه سرسام آور انجام می گیرد و آقای طاهری می تواند با ارائه مدارک زیادی جنبه های مثبت و منفی را روشن کند و می تواند ماهیت جنگ ۸ ساله خانمان برانداز و همچنین معاملات پشت پرده با طالبان و مجاهدین افغانستان را مشخص کند. ایشان می داند ترور مخالفین و خرابکاریها در خارج از کشور با استفاده از نیروهای مزدور خارجی الاصل با صرف هزینه های کلان انجام و با حمایت از گروه های ارتجاعی و تروریستهای خارجی و رژیمهای مرتجع، جنبشهای توده ای کشورها را از مسیر اصلی خارج کرده است. با اختصاص بودجه سرسام آور باج دهی به رژیمها و نیروهای ارتجاعی برای هماهنگی در سیاستهای ارتجاعی بین المللی و ایجاد کانونهای فرهنگی برای تبلیغات اسلامی در کشورهای مختلف، صدور تروریستهای آموزش دیده وطنی و غیر وطنی برای عملیات تروریستی به خارج از کشور و روابط امنیتی با کشورهای ارتجاعی برای تعقیب مخالفین و مبادله آنان، اینها گوشه هایی از عملکرد سیاست خارجی رژیم است و معلوم نیست آقای طاهری کدام قسمت از این سیاستها را مثبت ارزیابی می کند. آقای طاهری بهتر است به جای پناه بردن به خدا با مردم صادق باشید و این گونه اطلاعات را برای روشن شدن اذهان عمومی افشا کنید و به مردم پناه بیاورید.

آقای طاهری در انتهای نامه خود می آورد: "موضوعی را که باید در صدر مطالبم به رشته تحریر می کشیدم مطرح می کنم و می پرسم حصر فقیهی هم چون آیت الله منتظری، با کدام عقل و نقل و آیه و حدیث و عرف و شرع و سیاست قابل توجیح است؟ بر این شناخت بود که رهبر فقید و عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره القدوسی) گرما بخشیدن به نظام و حوزه را به ایشان فرمودند. فاجعه ی نامسبوق و نامسموع حصر مجتهدی چون ایشان عاقبتی شوم نتیجه ای مشتموم و پایانی مذموم دارد." و همچنین می نویسد: "عزت و حرمت و عظمت حریم مرجعیت معظم شیعیه حتی در سیاه ترین حکومت و فرعونی ترین رژیم نیز استوار و پایدار و برقرار بوده است." و ادامه می دهد: "آه آه! شوفا الی رؤیته وا اسفا که امروز شاهد حبوط روحانیت و سقوط مرجعیت هستیم!"

حتماً آقای طاهری فراموش نکرده، زمانی که آقای منتظری در اعتراض "حتی کم رنگ" به کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی که شامل تعدادی از نزدیکان او نیز شد مورد غضب ولی زمان خمینی گردید و از قائم مقامی کنار گذاشته شد و منتظری سالها مهر سکوت بربل گذاشت و به یک سری کلی گوئی ها بسنده کرد. بالاخره بعد از مدتها مهر سکوت را شکست و قسمتی از جنایات انجام شده در زندانهای رژیم سال ۱۳۶۷ اعلام نمود. اگر یادتان باشد در نماز جمعه اصفهان از حکم خلع او بشدت حمایت کردید که موجب حیرت همگان شد. در این نامه بعد از سالها پشیمانی خود را اعلام نموده و از او دفاع می کنید که بنظر می آید آینده مثل او در انتظار شما است. آقای طاهری تا دیر نشده محافظه کاری را کنار بگذارید و حقایق پشت پرده افشا نشده را برای مردم افشا کنید. آقای طاهری بیهوده تلاش میکند و سعی دارد روحانیت و مرجعیت مذهبی را که سالها بر تمامی مال و ناموس مردم

ملی و اقتصاد بیمار و فساد اداری و ضعف شدید مدیریتی و نقض فزاینده ساختار سیاسی کشور و اختلاس و اعتیاد و عدم چاره اندیشی کار آمد، تبعات وجیع و فجیعی دارد که همچون سیل بنیان بر انداز پشت سد ایستاده و هر لحظه کیان کشور و حیات ملت را تهدید می کند.

ایشان نمی گوید همین دین چه بلاهائی به سر مردم آورده است و نازاحت از این است که چرا طاقت مردم تمام شده و از دین گریزان شده اند. ایشان می داند که وعده های بهشت روحانی مبدل به جهنم دنیائی شده است. گرانی، تورم و فاصله روز افزون طبقاتی بر اقلیتی بهشت این دنیا را آورده و رژیم دینی برای اکثریت جامعه جهنمی ساخته که جهنم ذهنی کاملاً فراموش شده است. وحشت این روحانی زیر سوال رفتن روحانیت است. طاهری می داند تمامی مظالم و جنایاتی که در این مدت بر سر مردم آمده بنام دین و مذهب است و از زیر همین کلاه شرعی ها برای خدمت به استعمارگران چه جنایاتی در حق این ملت مرتکب شدند و چه قراردادهای ذلت باری با انحصارات امپریالیستی بسته شده و چه پورسانتهائی در برابر غارت منابع ملی به حسابهای شخصی این حاکمان دینی با عمامه و بدون عمامه ریخته شده است. آقای طاهری، چه سیاستهای استعمارگرانه مضاعفی را با توجیه شرعی و قوانین مذهبی به اجرا گذاشتید و قوانین رنگ و با رنگ را با دین آمیختید. و چنان وضعیتی را بوجود آوردید که مردم به اجبار برای سیر کردن شکم طفلی، تن فروشی کردند و برای گذران زندگی روزمره خانواده اعضای بدنشان را فروختند. بله، اینها تنها ضعف مدیریت و یا نقض فزاینده ساختار سیاسی کشور نیست بلکه این اساس حکومت دینی و روبنای سیاسی مذهب است که بیرحمانه و با تمام نیرو با قوانین و احکام ضد بشری ولاتی، ارتداد، محارب، مفسد فی الاعراض، قانون مجازات اسلامی، حدود، تعزیر و... بر مردم ایران حاکم کردید. (بقول معروف از کوزه همان تراود که در اوست)

در ادامه می نویسد: "عدم تعهد به قانون و حضور نهادهای غیر مرعی نامستول، باندهای مافیائی و خلع ید مجلس و وجود اهرمهای مطلقه نامتناهی و مادام العمر نامحدود و قدرتهای باد آورده روئین تن غیر پاسخ گو و سیاست گزاری های خارجی بعضاً ناموفق و بنیادهای مرئی و بنیادهای نامرئی و غیر اقتصادی و تجاری و اسکله های غیر دولتی نامتعارف و رانت خواری و یغماگری و فراری دادن مغزها و بگیر و ببندها و حصر و حبسهای نامألوف و باب شدن چنگیزی و مردم ستیزی و قانون گریزی و ایزوله کردن ازباب فکر و اندیشه و اسیر کردن منتقدان و ذبح نامطبوع مطبوعات و حبس نامشروع اصحاب نشریات و مردم را هیچ انگاشتن و بر شیپور قدرت دمیدن و کشور را بر بال باد گذاشتن، سرانجامی نامیمون دارد که از نتیجه آن به خدای بزرگ پناه می برم."

آقای طاهری در این بند تمامی رژیم را به تصویر کشیده و اوج فساد و درماندگی را نشان داده ولی معلوم نیست این قانون چیست که او از عدم تعهد به قانون حرف می زند و از طرف دیگر به قانون گریزی اشاره می کند در یک کلام حکومت "گل و بلبل". قانون ولایت "فقیه" همان یاسای چنگیزی است که آقای طاهری از آن صحبت می کند. در این سیستمهاست که حاکمان ولایات از طرف ولی فقیه و یا خان مفلول تعیین می شود و هرچه حاکم والی بگوید، حکم قانون را دارد و لازم الاجراست و سر پیچی از آن حکم ارتداد و محارب دارد!!! رانت خواری و ایجاد نهادهای نامرئی و مرئی که بدان اشاره می کند یکی از آنها همان دستگاه عریض و طویل ستادهای نماز جمعه است و بیت امام جمعه، مگر همین ستادهای امامان جمعه

را بر مردم ایران تحمیل کرد و با شعار صدور انقلاب اسلامی و سیاستهای ارتجاعی بزرگترین خدمت را به امپریالیسم انجام داد و معاملات پنهانی را با سرمایه جهانی انجام داد. با وجود گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا و شدت حملات لفظی فی مابین مذاکرات مخفی ادامه یافت. مذاکرات مخفی با روی کار آمدن خاتمی شدت گرفت و امید به مذاکرات علنی و روابط علنی قوت گرفت. دولت آمریکا برای ایجاد روابط تا آنجا پیش رفت که از طریق وزارت امور خارجه به دست داشتن در کودتای ۲۸ مرداد اعتراف کرده و از اشتباهات آن زمان دولت آمریکا خواند و خواستار روابط علنی گردید و جناح خاتمی بقول بوش "انتخابی" را مورد حمایت قرار داد. مذاکرات مخفی رژیم جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در جریان حمله نیروهای نظامی امریکائی به افغانستان شدت گرفت و یک سری قراردادهای عملی گذاشته شد و دولت آمریکا از همراهی رژیم ایران در قضیه افغانستان قردرانی کرد. با این وجود باید پرسید با این همه بده و بستانها چرا روابط اینها در کش و قوس رویدادها تغییر می کند.

رژیم جمهوری اسلامی در پایبند قوانین اسلامی و روینای مذهبی " فقه شیعه" خواستار احیای حکومت اسلامی است و از طرف دیگر با احترام به مقدس بودن سرمایه تعریفی جدید از روابط سرمایه داری و قوانین بانکداری و مالیات و . . . ندارد و مهمتر از همه بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر روز ابعاد تازه ای می گیرد و تضادهای درونی رژیم را تشدید می کند. از طرف دیگر دولت آمریکا خواستار تضمین و حمایت بی چون و چرا از سرمایه بر اساس روابط سرمایه داری آمریکا است و خواستار دگرگونی های در روابط اجتماعی و آزادی عمل سرمایه و دست برداشتن از شعار صدور انقلاب و قطع کمکهای اقتصادی و سیاسی از گروههای اسلامی حزب الله لبنان و حماس است و خواستار رژیم یکدست و مقتدر و توانمند در سرکوب اعتراضات توده ای و دفاع از منافع سرمایه داران می باشد.

دولت بوش با دریافت عدم توانائی رژیم جمهوری اسلامی و با استفاده از تضادهای جناحی تبلیغات خود را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی افزایش داده و جمهوری اسلامی را جزء کشورهای محور شر می نامد و در عین حال به مذاکرات مخفی با نمایندگان باندهای هاشمی و خامنه ای بقول بوش "انتصابی" در قبرس دست می زند.

آنچه که مسلم است رژیم جمهوری اسلامی با وضعیت کنونی نمی تواند بحرانهای جناحی وضعف حکومتی خود را حل کند و ثبات خود را تضمین کند چه برسد که منافع سرمایه داران امپریالیستی را تضمین کند. با وجود باند بازی ها و سیاستهای ارتجاعی مذهبی و اعتراضات رو به گسترش کارگران و سایر زحمتکشان امید جرج بوش از فشار دوم خردادها به جناح قدرتمند رژیم سلب شده و از طرف دیگر با چنین وضعیتی رژیم را در سرانجام سقوط می پندارد. سیاست جدید آمریکا بسیار هوشمندانه و دقیقاً برنامه ریزی شده است.

قدر مسلم سیاست اعلام شده بوش بر صف بندی های درونی رژیم اثر خواهد گذاشت و از طرف دیگر سرکوب مبارزان و روشنفکران و جنبشهای توده ای شدت خواهد گرفت و همچنان بر ابعاد بحران اقتصادی و سیاسی افزوده خواهد شد. با ادامه سرکوب، اعتراضات توده ای رشد خواهد یافت و ریزش نیروهای حکومتی تشدید خواهد شد. در این میان نیروهای ارتجاعی این بار با شعارهای آزادی و استقرار دموکراسی به میدان خواهند آمد و با بخشی از نیروهای درونی نزدیکی خواهند کرد.

حکم راندند و بلائی بر سر مردم آوردند که قبائل وحشی کمتر بر سر مردم آورده اند، دفاع کند. حال در هر کوی و بوزن نفرت از روحانیت به عیان مشهود است. رژیم جمهوری اسلامی در سرانجام سقوط قرار گرفته و با خود روحانیت را به ذباله دان تاریخ خواهد ریخت.

خیزش توده ای بر علیه فقر و بد بختی و ظلم و ستم تمامی ارکان رژیم را نشانه گرفته و چنان لرزه ای بر پیکر پوسیده رژیم دینی انداخته است که زنجیره های نیروهای تشکیلاتی و دینی آن یک به یک از هم می گسند. استغفای طاهری درس عبرتی است به نیروهای رژیم، که هر چه زودتر تکلیف خود را با رژیم اسلامی روشن کرده و بیش از این در جنایات جمهوری اسلامی شریک نشوند.

شعار جرج بوش! فشار از پانین و مذاکره در باه

از صفحه ۱

منابع سرشار نفت و گاز و . . . از دیر باز مورد مطامع استعمار و امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا قرار گرفته و تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران و منطقه را تحت تأثیر قرار داده و با تسلط رژیمهای دست نشانده از طریق دخالت مستقیم ژاندارمهای منطقه ای بوجود آوردند و یا با حمایت مخفی رژیمهای ارتجاعی را در این کشورها مسلط گرداندند. حال با وجود جهان تک قطبی سیاست منطقه ای امپریالیسم آمریکا با حضور مستقیم نظامی و ایجاد کانونهای بحران منطقه ای گره خورده است. بعد از اسرائیل کانون بحران منطقه ای با حمله رژیم بعثی عراق به کویت آغاز شد و کشور عراق به آزمایشگاه سلاحهای مدرن تبدیل گردید. صنایع و تأسیسات و مزارع و شهرها زیر بمبارانهای هوائی و موشک باران منهدم و هزاران نفر کشته و میلیونها نفر آواره گردیده و مردم عراق به فلاکت و قحطی کشانده شدند. با گذشت حدود ۱۱ سال و علی رغم تهدیدهای همه جانبه، رژیم بعث عراق بر مردم عراق حکمرانی می کند و دولت آمریکا کویت و عربستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را عملاً به پادگان نظامی خود مبدل ساخته است. از طرف دیگر طالبان توسط سازمان جاسوسی و امنیتی پاکستان و با حمایت مستقیم آمریکا و انگلستان در مدت کوتاهی حکومت اسلامی را در افغانستان مسلط ساخت و القائده به رهبری اسامه بن لادن پرورش یافته سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا تحت حمایت طالبان قرار گرفت و به عملیات تروریستی گسترده دست زد. با عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر جنگ طالبان امپریالیسم، جهان را در سرا شیب جنگ و ویرانی قرار دادند و با هجوم گسترده به افغانستان، این کشور کانون جدید بحران شده و حضور مستقیم نظامی آمریکا افغانستان را عملاً به پادگان نظامی امپریالیسم مبدل ساخت. آمریکا دولت اسلامی به رهبری حامدکرزای را بر مردم ستمدیده افغانستان مسلط ساخت. بدین ترتیب حوضه نفتی و گازی دریای خزر و همچنین راه انتقال نفت و گاز را به ابهای آزاد جنوب تحت کنترل خود در آورد.

ایران از نظر جغرافیائی و ساختار اجتماعی و اقتصادی از ویژگی خاصی بر خوردار است، دولت آمریکا با ایران بازی بسیار پیچیده و خطرناکی پیش گرفته است و احتیاج به تعمق بیشتری است. بعد از سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه و فروپاشی ژاندارم منطقه تعادل منطقه ای به هم خورد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از ابتدای موجودیت روابط پنهانی با دولت آمریکا برقرار نمود و همزمان به انقلاب دموکراتیک مردم ایران یورش برده و به سرکوبی انقلاب پرداخت، جنگ ارتجاعی ۸ ساله

سوختی و دارویی بشدت بالا رفت و علاوه بر این داروخانه ها به شاملین بیمه های اجتماعی دارو پرداخت نمی کنند. بحران جاری بخشهای بزرگی از اقشار متوسط را هم در بر گرفته و بیش از نیمی از مردم آرژانتین در فقر مطلق زندگی می کنند و یک چهارم جمعیت فعال بیکار هستند. بحران آرژانتین که ریشه در سیاستهای صندوق بین المللی پول و رژیم دیکتاتوری و باندهای رشوه خواری دارد. حتی در سال ۲۰۰۰ از رشوه ای پرده برداشته شد که به مجلس سنای آرژانتین داده شده بود تا قانون کار را به نفع کارفرمایان تغییر دهد.

مجموعه عوامل اقتصادی، ارتشاء و اختلاس در دستگاههای حکومتی، رهائی آدمکشان دوران دیکتاتوری نظامی، اختلافات درونی حاکمیت و همچنین مبارزات کارگران و زحمتکشان آرژانتین به یک اعتصاب عمومی در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ تبدیل شد که متعاقب آن انفجار عظیم اجتماعی شعله ور و به شورش گرسنگان مشهور شد. در این روز همه بانکها و رستورانهای مک دونالد غارت گردیدند. شورش مردم تپیدست در همین روز در جلوی پارلمان نخستین کشته را بر جای گذاشت و تا روز ۲۵ دسامبر تعداد جانباختگان به سی نفر رسید و ۲۵۰۰ نفر روانه زندان شدند، حالت فوق العاده اعلام و رئیس جمهور از این سمت کنار رفت.

جان زندانیان سیاسی در خطر است

رژیم جمهوری اسلامی با دستگیریهای گسترده اخیر زندانیان سیاسی سابق، کارگران و معلمان و مبارزان سیاسی و جوانان معترض در شهرهای مختلف و با مخفی نگه داشتن اسامی و محل زندانیان در صدد توطئه ای گسترده و جنایتکارانه است. با تجربه تلخ سالهای ۶۰ و کشتار دسته جمعی و بیرحمانه و وحشیانه زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ که هنوز اسامی تعدادی از شهدا نامعلوم مانده است. تعدادی از خانواده ها، وحشت از دست دادن تعدادی دیگر از افراد خانواده رغبت نشان نمی دهند تا اسامی آنها را در اختیار سازمانهای مترقی و مجامع بین المللی طرفدار حقوق بشر قرار دهند. حالا نیز تعدادی از خانواده ها به امید وعده وعید ریاکارانه حاکمان اسلامی جنایتکار از افشای اسامی عزیزانشان در زندانها خودداری می کنند.

هشدار!

رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی در جهت منافع خود به هیچ احدی رحم نکرده و نمی کند. رژیم بسیار وحشی و ترسو و بسیار خونخوار است. می توانید به تعداد زیادی از خانواده های اعدامیان زندانیان سیاسی مراجعه کنید، برایتان از وعده وعیدها و جنایات انجام شده تعریف خواهند کرد که چه عزیزانی را از دست داده اند. با افشای نام و محل زندان آنها در افکار عمومی جامعه و افکار بین المللی و اعتراضات وسیع توده ای رژیم را به عقب نشینی وادار کنیم و جان عزیزانمان را نجات دهیم. در این راه می توانید با سازمان تماس بگیرید.

ما با وضعیت سیاسی و رابطه تشکیلاتی زندانیان نظری نداریم و صرفاً عنوان زندانی سیاسی موضوع ماست.

کارگران زندانی

- ۱ - رئوف کریمیان ۲ - حبیب الله ورمزیاران ۳ - منصور حسینی ۴ - شاهر میرزائی ۵ - انوشیروان احمدی
 - ۶ - تعدادی از کارگران که در ۲۵ تیر دستگیر و زندانی شده اند که اطلاع دقیق بدستمان نرسیده است ولی بر اساس اعلام رسمی مقامات رژیم ۶ نفر از کارگران معترض در آن روز توسط نیروی انتظامی تهران بازداشت شده اند.
- دانشجوی زندانی ۱- مهرداد احمدزاده

جدیداً ضمیمه هایی شنیده می شود که افرادی از باند دوم خردادی از حکومت کنار کشیده و به عنوان اپوزیسیون مذهبی بدون روحانیت برنامه های اصلاحی خود را خواهند داد تا بر جنبش اعتراضی سوار شوند و از انقلاب جلوگیری کنند. از طرف دیگر جرج بوش با اعلام حمایت فعالان طرفدار دموکراسی مورد نظر غرب بیرون حاکمیت بار دیگر رژیم را تحت فشار قرار می دهد و در این راستا از نیروهای طرفدار امریکا حمایت و کمکهای مالی خود را برای سازماندهی آنها بکار خواهد گرفت تا رژیم را به عقب نشینی در مقابل سیاستهای امریکا وادار نماید.

کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

زمان بسیار حساسی در مقابل خود داریم و باید با هوشیاری در مقابل توطئه های غارتگران عمل کنیم نگذاریم سرنوشت ما به دست دیگران رقم زده شود. نگذاریم بار دیگر دشمنان مردم با سر دادن شعارهای انحرافی برسرنوشت ما حاکم شوند. رژیم جمهوری اسلامی ثابت کرد که سرمایه داران و باندهای مافیائی برای رسیدن به ثروتهای افسانه ای نه بزرگ می شناسد و نه کوچک و نه پیر می شناسد به جوان و نه کمونیت می شناسد و نه مسلمان و نه زن می شناسد و نه مرد، سرمایه داران و باندهای مافیائی فقط قدرت، ثروت و سرمایه می شناسند و برای گسب ثروت آدم می کشند، استثمار میکنند، تجاوز می کنند، ویرانی و تباهی می آورند، بیکاری و آوارگی می آورند. مردمان کشورهای دیگر را مورد تهاجم قرار می دهد با موشک به فلسطینیان حمله می کند. مردم افغانستان را به خاک سیاه می نشاند. افریقا را به گرسنگی می کشاند. ملت های مختلف را به جان هم می اندازد. برای نجات از وضعیت کنونی باید آگاهانه مبارزه خود را گسترش دهیم سیاستهای توطئه گران را افشا کنیم و تشکلهای مستقل خود را بوجود بیاوریم. در شوراهای انقلابی متشکل شویم و با سازمانهای مدافع منافع کارگران و زحمتکشان ارتباط برقرار کنیم.

کلام آخر، بوش اعلام کرده، دوستی مردم ایران و امریکا سوابقی دیرینه دارد، مردم ایران همچنان که به سوی آینده ای بر خوردار از آزادی بیشتر به پیش می روند، دوستی بهتر از ایالات متحده امریکا نخواهند داشت.

باید یاد آور شد که نه تنها کارگران و زحمتکشان ایران و امریکا دوست و برادر و متحد طبیعی هم هستند بلکه تمامی کارگران و زحمتکشان در سراسر دنیا باهم دوست و برادر هستند ولی از استثمار گران و غارتگران و جنگ طلبان بیزار و همه دشمن دولتهای سرماییداری چه از نوع ارتجاعی و مافیایی مذهبی و یا لائیک و چه از نوع سرمایه داری امپریالیستی بسرکردگی امپریالیسم امریکا هستند.

اخباری از جهان

آرژانتین

شورش گرسنگان در ادامه شروط صندوق بین المللی پول

سیستم سرماییداری آرژانتین نشان افتخار صندوق بین المللی پول که با تقلیل نیروی کار "بیکارسازی" خصوصی سازی و پائین آوردن ارزش نیروی کار "مزد" و پیروی از دلار و معیارهای صندوق بین المللی پول یکباره فرو ریخت و با شورش گرسنگان روبرو گردید. ۵ میلیون نفر در تجمعات محلی و با تظاهرات قابلمده های خالی شرکت کرده و همزمان، مردم به فروشگاههای بزرگ در نقاط مختلف شهر حمله برده، مواد غذایی و دیگر وسایل را باخود بردند. که همچنان ادامه دارد. با سقوط پزو " واحد پول آرژانتین" قیمت مواد غذایی، موانع

اخبار داخلی**۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق برای ناصر زرافشان**

حکم ضد بشری و ارتجاعی بر علیه ناصر زرافشان وکیل مدافع خانواده های قربانیان قتل‌های زنجیره ای "محمد مختاری و محمد جعفر پوینده" که از سوی سازمان قضائی نیروهای مسلح به ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده بود در دادگاه تجدید نظر مورد تأیید قرار گرفت.

اتحاد چپ کارگری نامه ای به اتحادیه سراسری خبرنگاران بریتانیا و وکلای مدافع کمیسیون بین المللی تحقیق قتل‌های زنجیره ای در ایران ارسال کرد. در قسمتی از نامه آمده: "ناصر زرافشان با صراحت می گوید، در پرونده اش جرمی وجود ندارد و پرونده اش جنبه قضائی ندارد، بلکه مجموعه پرونده ای که علیه او تشکیل شده تاوان وکالات او در پرونده قتل‌های زنجیره ای و تلاش او برای افشای نکات تاریک این پرونده است."

فارغ التحصیل رشته اقتصاد ناپدید شد

طبق اطلاعیه مورخ ۲۸ تیر از طرف انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان مهرداد احمد زاده فارغ التحصیل اقتصاد و بازرگانی دانشگاه اهواز و از فعالان جنبش دانشجویی از ساعت ۱۱ شب ۲۶ تیر ماه بعد از خروج از دفتر انجمن در اصفهان به قصد منزل ناپدید گردیده است.

تأسیس دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام در آلمان

دفتر مجمع تشخیص در صدد است برای تعیین چارچوب سیاست‌های کلان رژیم در سیاست خارجی دفاتری در چند کشور اروپائی و آسیائی دایر کند. محسن هاشمی به ریاست دفتر این مجمع در آلمان پیشنهاد شده است. علی هاشمی نیز از طرف خاتمی به دبیری ستاد مبارزه با مواد مخدر منتصب شد.

پرونده زندانیان ۱۸ تیر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب

بنا به اظهارات منبعی در دادگستری، در درگیریهای ۱۸ تیر ۱۳۸۱ در محدوده دانشگاه تهران ۴۰۰ نفر بازداشت، ۲۵۸ نفر همان شب آزاد، ۱۴۲ نفر به بازداشتگاه منتقل و ۹۰ نفر دیگر در همان روزهای نخست "با دادن تعهد کتبی مبنی بر عدم حضور در تجمعات" آزاد شدند. روزنامه امروز بر اساس ادعای منبع موثق در دادگستری آورده که ۵۲ نفر باقی مانده همچنان در بازداشت هستند و دادگاه آنان بریاست قاضی حداد دهنوی در جریان است و اتهام آنان "اقدام علیه امنیت ملی" ذکر شده است.

توقیف نشریات و روزنامه ها همچنان ادامه دارد

توقیف روزنامه نوروز در دادگاه تجدید نظر تصویب شد و نشریه دانشجویی "حرف سوم" با شکایت چند تن از اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد به درج مقاله ای با عنوان "جایگاه استادی در دانشگاه" به مدت ۵ ماه توقیف شد. بنا به شکایت دوتن از مسئولان انصار حزب الله کرمانشاه مدیران مسئول نشریات محلی "آوای کرمانشاه" و "ندای جامعه" چهارشنبه ۲۶ تیرماه به دادگستری کرمانشاه احضار شدند. عبدالحمید زاهدی و نوشین محمدی از سوی شعبه یک دادگاه عمومی کرمانشاه به اتهام شورش افکار عمومی به دادگاه خوانده شدند.

دخترها اجازه ندارند شنا یاد بگیرند

بدنبال غرق یک قایق تفریحی در دریاچه مصنوعی پارک شهر تهران و مرگ ۶ دانش آموز دختر شهردار منطقه ۱۲ به اتهام شرکت در قتل شبه عمد در دادگاه محاکمه می شود. دانش آموز ۱۰ ساله ای بنام بابک از تهران برای ما گزارشی در این مورد ارسال کرده است که در نوع خود بسیار آموزنده

است. بی مناسبت نیست این گزارش را همراه با برخورد مسئولان شهرداری ذکر کنیم. اسدالله فردی شهردار منطقه ۱۲ به خبرنگاران می گوید: "شما قصد دارید پای بی گناهان را به زندان باز کنید! شما می خواهید متخصصان را به زندان بیاورید! کاری می کنید که متخصصان از کشور بروند. من هم که متخصص هستم از ایران خواهم رفت."

ملک مدنی شهردار تهران در حاشیه برگزاری جلسه هیئت دولت به خبرنگاران می گوید: "شما مطالب را عاقلانه و عالمانه پیگیری کنید با هو و جنجال هیچ چیز درست نمی شود. نه چیزی بشما می رسد نه بمن!" وی در پاسخ سؤال دیگری می گوید: "استاندارد در کشور پائین است و هر نیم ساعت یک نفر در جاده های کشور کشته می شود."

متخصصین معامله گر را به اینها می گویند، اینها فقط به فکر موقعیت و مقام و... خود هستند. بابک دانش آموز ۱۰ ساله گزارشی از پارک شهر ارسال کرده است که عیناً نقل می شود.

"پارکها و مراکز تفریحی را برای چه ساخته اند، مگر نباید در این پارکها بازی کنیم و در استخر شنا کنیم و در دریاچه قایق سواری کنیم. مگر پارکها را برای تماشا گذاشته اند و هر چیزی را دست می زنی می گویند، دست نزن و یا روی چمن بازی نکن دو تا صندلی شکسته گذاشته اند و می گویند فقط روی آن بشین. من که پسر هستم می بینم باز راحت هستم، به استخر می روم و شنا یاد می گیرم و موقعیکه به قایق سواری بروم لباس کم می پوشم، ولی بیچاره دخترها. من همیشه دلم به حال خواهرم می سوزد، چون خواهرم حتی نمی تواند به استخر برود و شنا یاد بگیرد و موقع قایق سواری لباس کم بپوشد. خواهرم اجازه ندارد مانتو بپوشد و روسری بزرگ سرش نکند.

روزی که در پارک شهر این اتفاق افتاد به اسرار زیاد مادرم مرا به پارک شهر برد تا از نزدیک نگاه کنم. اولین چیزی را که دیدم پلیسی بود که برگشت و به ما گفت دیگر اجازه نمی دهم بچه ای به قایق سوار شود. بیچاره پلیس نمی دانست که بچه ها دوست دارند به قایق سوار شوند و بازی کنند. طرف دیگر جرثقیل بود و با آن دنبال غرق شده ها می گشتند و می گفتند که بچه ها درون لجن گم شده اند. قایق ها را دیدم که پوسیده بودند و تعمیر نشده بودند. مردم دور هم جمع شده بودند و می گفتند که قایق ها ۷ نفری بودند و به هر کدام از قایق ها ۱۵ نفر سوار کرده اند. خیلی فکر کردم و گفتم چرا قایق را برای ۷ نفر ساخته اند و چرا برای ۱۵ نفر درست نکردند، بعد به خود گفتم، اگر هم برای ۱۵ نفر می ساختند لابد آنموقع ۳۰ نفر در آن سوار می کردند، بعد فکر کردم و گفتم اگر زیر قایق سوراخ ریزی باشد برای ۷ نفر مقاوم است و اگر زیادتر شوند فشار زیاد می شود و سوراخ باز می شود و درزهای دیگر نیز باز می شوند و آب به درون قایق می رود و غرق می شود، لجن هم که هست قایق به پائین می رود و در لجن گیر می کند.

بیشتر از همه دلم به دختر های هم سن و سال خودم می سوزد که با لباسهای زیاد به قایق سوار کردند، شنا هم که بلد نبودند. آنهایی هم که دخترها را برای تفریح برده بودند، عقلشان کار نمی کرده و فکر نکردند که اگر بچه ها در آب بافتند چه می شود. من بشما می گویم، ببینید خیلی ساده است، گفتم که دخترها شنا بلد نبودند و اگر هم شنا بلد بودند با این همه لباس اگر در آب بیافتند بسیار سنگین می شوند و به ته آب می روند و خفه می شوند. مگر نباید دخترها و پسرها لباسهای مناسب بپوشند و شنا یاد بگیرند. بهتر است بجای یاد دادن نماز و روزه به بچه ها به آنها شنا یاد بدهند و پارکها را تعمیر کنند."

اخبار کارگری ایران

خواستار حضور فرماندار و پاسنگوئی به مشکلات کارگران شدند. کارگران اعلام کردند تا رسیدن به حقوق حقه خود به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

۹۰۰ کارگر صنعت نساجی مازندران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه از اول تیر ماه دست از کار کشیده اند و کارگران هر کدام از کارخانه ها برای دستیابی به حقوق خود اعتراضات را به بیرون از کارخانه کشانده اند.

اعتراض کارگران فرش مازندران در مقابل کارخانه

کارگران بیکار شده کارخانه فرش مازندران به اتفاق خانواده های خود در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه ۴۰ ماهه و بلا تکلیفی شغلی در مقابل کارخانه در نیمه دوم مرداد ماه اجتماع اعتراضی ترتیب دادند. این کارگران در پی واگذاری این کارخانه به خریداران در سال ۱۳۷۸ و تغییر نام آن به ساوین در بلا تکلیفی قراردادن. کارگران در اجتماع اعتراضی به ضرورت رفع مشکل معیشتی و اقتصادی ناشی از بیکاری تأکید کردند.

تجمع کارگران مرودشت در مقابل تأمین اجتماعی

هزار نفر از کارگران کارخانجات مرودشت در مقابل ساختمان اداره تأمین اجتماعی این شهر تجمع کردند و با صدور بیانیه ای خواستار اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد کارگران و تأمین رفاه آنان شدند. کارگران خواستار حضور مسئول اداره کار و امور اجتماعی شدند ولی در این جلسه حاضر نشد. با خواست نیروی انتظامی و با سخنرانی فرمانده نیروی انتظامی مرودشت کارگران معترض متفرق گردیدند.

* * * * *

آدرسها و شماره فاکس سازمان**اتحاد فدائیان کمونیست**

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

فاکس روابط عمومی

+(46)317792571

آدرس پست الکترونیکی سازمان

webmaster@fedayi.org

آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

آدرس غرفه سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

www.fedayi.se

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورانی**سه تن از کارگران ماشین سازی تبریز کشته شدند**

روز شنبه ۱۵ تیر ماه در اثر انفجار کپسولهای گاز حاوی آمونیاک و هیدروژن سه نفر از کارگران جان خود را از دست داده و یک نفر به قطع عضو و تعدادی از کارگران زخمی شدند. بعد از انفجار بلافاصله کارگران دست از کار کشیده و به کمک همکاران خود شتافتند. این انفجار با صدای وحشتناکی همراه بود حتی صدای انفجار از کیلومترها دورتر شنیده شد. اسامی کارگران جانبخته در این حادثه عبارتند از

۱- مجید لاهیجی خسروشاهی ۲- حسن امامعلی زاده حکم آبادی
۳- ناصر کاظمی اسکندانی

روز دوشنبه ۱۷ تیرماه پیکر کارگران جانبخته توسط کارگران و خانواده های آنان تشییع شد. کارگران، این نوع حوادث اولین و آخرین نبوده و نخواهد بود. تا زمانی که سرمایه داران سود جود و دولتهای مافیائی در قدرت باشند برای سود جوئی بیشتر هزینه های حفاظت و ایمنی کار را به حداقل خواهند رساند. برای سرمایه داران و مدیران حامی آنان تنها چیزی که اهمیت دارد سود و استثمار کارگران است برای آنان گرسنگی خانواده کارگران و کشته شدن و قطع عضو کارگران اهمیتی ندارد. برای زالوصفتان بیکاری و آوارگی کارگران اهمیتی ندارد. کارگران برای جلوگیری از حوادثی که منجر به نابودی تعدادی از کارگران می شود باید پیشقدم شوند و برای جلوگیری از فجایع باید کارفرمایان و دولت آنانرا مجبور به تخصیص هزینه های مکفی برای حفاظت و ایمنی وسایل کار و محیط کارخانه کرد.

کارگران، کارفرمایان را تنها در صورتی می توان به اجرای این تعهدات واداشت که اهرمهای قدرتی کارگران بوجود آید و اهرمهای قدرت طبقاتی با اعتصاب و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و سازماندهی متحدانه مبارزات کارگران شکل می گیرد.

* * * * *

پیش بسوی کمیته های اعتصاب**دستگیری کارگران در کردستان**

انجمن کارگران خباز سنندج با انتشار اطلاعیه ای از دستگیری گروهی از کارگران این انجمن خبر داد. رؤف کریمیان، حبیب الله و مرزبانان، منصور حسینی، شاهو میرزائی، انوشیروان احمدی کارگرانی هستند که در روز ۱۲ تیر ماه به جرم دفاع از حقوق قانونی خود و اعتراض به ضوابط جدید کار نانوایان دستگیر شده اند.

راهپیمائی ۴ کیلومتری کارگران نساجی قائم شهر

جمعی از کارگران کارخانه نساجی تار قائم شهر به دلیل عدم دریافت مطالبات سنواتی و حقوق دو ماه گذشته مقابل فرمانداری این شهر دست به اجتماع اعتراض آمیز زدند.

۳۰۰ کارگر این واحد تولیدی به راهپیمائی ۴ کیلومتری از محل کارخانه تا مرکز شهر دست زدند. در مسیر راهپیمائی کارگران با بیان مشکلات کار و کارگری مردم منطقه را در جریان مشکلات کارگری گذاشتند و بعد از طی مسیر در مقابل فرمانداری قائم شهر به تجمع اعتراضی دست زدند و

سرنگون بادرزیم جمهوری اسلامی ایران .